



تحلیلی بر نقش آموزه‌های انقلاب اسلامی در فرآیند همگرایی منطقه‌ای کشورهای خاورمیانه

زهرا قنبری مله^۱

چکیده:

پس از گذشت سه دهه از استقرار نظام جمهوری اسلامی، سیاست خارجی ایران در قبال جهان اسلام، مبتنی بر ترویج همگرایی و همبستگی میان جوامع مسلمان بوده است. این رویکرد، بازتابی از اهداف بنیادین انقلاب اسلامی در جهت حمایت از ملت‌های تحت ستم و رهایی از سلطه قدرت‌های استعماری است. با وجود این چشم‌انداز، فرایند همگرایی و انسجام منطقه‌ای در میان کشورهای اسلامی با موانع و محدودیت‌های قابل توجهی مواجه است. این مطالعه در پی آن است که رابطه میان آموزه‌های انقلاب اسلامی و همگرایی کشورهای خاورمیانه را تبیین نماید. همچنین، پتانسیل‌های نظری و عملی این آموزه‌ها در جهت تسهیل همگرایی و شناسایی چالش‌های فراروی آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. فرضیه اصلی این تحقیق بر این دلالت دارد که ویژگی‌های هویتی و بنیادین انقلاب اسلامی، از جمله ماهیت فرهنگی-اسلامی و تأکید بر مردم‌سالاری دینی و نفی استبداد، در حالی که فرصت‌هایی را برای همگرایی فراهم می‌آورد، به دلیل مبانی شیعی و رویکرد ضد استکباری، از سوی بازیگران محافظه‌کار منطقه‌ای با مقاومت و چالش مواجه شده و مانعی بر سر راه تحقق همگرایی محسوب می‌گردد.

واژگان اصلی: همگرایی، انقلاب اسلامی، خاورمیانه، وحدت اسلامی، آموزه‌های انقلاب.

۱. مقدمه

آنچه می‌توان درباره بازتاب انقلاب اسلامی ایران در میان ملت‌های اسلامی بیان نمود حکایت از سطح بالایی از استقبال و همراهی با انقلاب اسلامی و آموزه‌های آن دارد. و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های زیادی در میان ملت‌های اسلامی برای تحقق بخشیدن به همگرایی ملل اسلامی وجود دارد اما بخش دیگر همگرایی و وحدت در میان کشورهای اسلامی مربوط به دولت‌ها و حکومت‌های اسلامی که غالباً بازتاب انقلاب اسلامی بر آنها با محدودیت و مانع مواجه بوده و در برخی موارد باعث ایجاد هراس و ترس آنها از انقلاب اسلامی ایران شده است آنچه مسلم است تحقق همگرایی کشورهای اسلامی در سطح دولت مستلزم ایجاد ائتلاف سیاسی در سطح منطقه‌ای و جهانی است که به نظر می‌رسد با محدودیت‌های زیادی مواجه است. یکی از آموزه‌ها، اهداف و پیام‌های انقلاب اسلامی، دعوت برای وحدت مسلمانان بود. انقلاب اسلامی در شرایطی این مهم را سرلوحه اقدامات خود قرار داد که زمینه‌های تفرقه و اختلاف میان کشورهای اسلامی، از سوی دشمنان اسلام به‌شدت تقویت می‌شد؛ لذا امام خمینی، ایجاد وحدت در میان مسلمانان را به‌عنوان یکی از برنامه‌های اصلی انقلاب برشمرد و اعلام کرد «برنامه ما که برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است؛ اتحاد ممالک اسلامی است؛ برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم پیمانی با تمام دول اسلامی است در سرتاسر جهان» (صحیفه‌ی امام خمینی، ۱/۳۳۶) از سوی دیگر، حضرت امام خمینی، هم پیش از پیروزی انقلاب و هم پس از آن، نهضت‌های آزادی بخش و اصلاح طلب را مورد حمایت خود قرار می‌دادند، که جلوه بارز آن در نهضت مسلمانان فلسطین و قیام آنان علیه اسرائیل متجلی است. نهضت‌های اصلاحی و انقلابی که خواهان مبارزه با ظلم و استعمار بودند، بدون این که نسبت به گرایش‌های دینی و مذهبی آنان حساسیتی نشان دهند، مورد حمایت امام خمینی قرار داشتند. (کدیور، ۱۳۷۲: ۱۳) انقلاب اسلامی ایران برای ملل تحت ستم به عنوان یک الگو محسوب می‌شود؛ الگویی که انقلاب ایران برای دولت‌ها و ملت‌های جهان سومی دارد، می‌تواند زمینه ساز الگوی رفتاری و هنجاری جدید باشد. در این انقلاب ملت ایران توانست نظام استبدادی و دست‌نشانده را سرنگون و حکومت اسلامی را به جای آن مستقر کند. (میر آقایی، ۱۳۷۹: ۹)

پژوهش حاضر در پی آن است که نشان دهد همگرایی کشورهای اسلامی خاورمیانه آموزه‌های انقلاب اسلامی چه تأثیری پذیرفته است، قابلیت‌ها و ظرفیتهای آموزه‌های انقلاب اسلامی برای همگرایی کشورهای اسلامی خاورمیانه چه اندازه می‌باشد و در عمل تحقق این آموزه‌ها با چه محدودیت‌ها و موانعی مواجه بوده است؟ روش ما در جمع آوری روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای

می باشد و نوع پژوهش توصیفی-تحلیلی می باشد. فرضیه بر آن است چون ماهیت فرهنگی و اسلامی داشته است باعث فرصت در همگرایی شده است و از سویی چون تاکیدش بر نقش مردم می باشد و نفی استبداد و بر مبنای شیعه می باشد باعث شده به وسیله کشورهای محافظه کار خاورمیانه به چالش و مقابله گرفته شود و دچار موانع گردد.

چارچوب نظری

همگرایی هم می تواند به عنوان فرایند وهم وضعیت تعریف شود. وضعیت همگرایی یعنی شرایطی که در آن کنشگران به یک اجتماع جدید میرسند. فرایند یا فرایند های دخیل در آن نیز عبارتند از وسایل و ابزاری که این اجتماع از طریق آنها حاصل می شود. (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۴۰) همگرایی رابه بهترین وجه به صورت یک فرایند می باید تجزیه و تحلیل کرد، زیرا حرکتی است در زمینه افزایش همکاری میان دولتها. (قوام، ۱۳۸۸: ۴۴) «مهمترین عامل برای شکل گیری همگرایی، وجود توافق عمومی و اجماع واحد هاست. همگرایی محصول دینامیسم منطقه ای و پویایی و رابطه کشورها با یکدیگر است.» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۹) اکثر نظریه های همگرایی، همگرایی منطقه ای را مورد توجه قرار داده اند. می توان در وهله اول به نظریه های اقتصادی مانند نظریه اتحادیه گمرکی اشاره کرد. اکثر این نظریه ها ایستاهستند و به پویاییهای همگرایی، مانند تغییر در قواعد و سیاست های حاکم بر مناطق اقتصادی نمی پردازند. شاید بتوان نظریه ارتباطات دویچ در زمینه همگرایی را نیز در ابعادی موید نظریه مبادلات و تجارت و تاثیر آن بر همگرایی دانست. دویچ از منطری تجربی و علمی به همگرایی در سطوح مختلف می نگرد. (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۴۰-۴۱) دویچ رابطه ارتباطات با همگرایی جوامع سیاسی را مورد توجه قرار می دهد. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۶: ۶۷۱) به نظر دویچ، همگرایی مانند یک خط مونتاژ است که در جریان تاریخ شکل می گیرد. (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۴۴)

در رهیافت سیاسی به همگرایی، بر ابعاد نهادی و سیاست گذارانه تاکید می شود. معروف ترین نظریه های سیاسی همگرایی کارکرد گرایی نوکارکرد گرایی هستند. کارکرد گرایی با نام دیوید میترا نی در پیوند است. به نظر او، سرمنشا تعارضات میان دولت ها وجود شکافهای سیاسی است و نمی توان بر این شکافها با توافق حقوقی نایل آمد. فرض او براین است که اقتصاد و سیاست را می توان از هم جدا کرد. آنچه به اقتصاد و حیات اجتماعی مربوط می شود در عرصه سیاست پایین یا ملایم قرار می

گیرد وامکان همکاری در آن هست. (همان: ۶۰) نظریه کارکردگرایی واکنشی بود به آنچه در اروپا انجام شده بود و تا حدودی همگرایی اروپایی را توضیح می‌داد ولی کافی نبود. امروزه اقتصاد سیاسی شده و اهمیت مسائل اقتصادی اگر بیشتر از مسائل سیاسی نباشد کمتر هم نیست. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳۲) حاکمیت‌ها در هم ممزوج می‌شوند و فنون جدیدی برای حل و فصل تعارضات میان کشورها تدبیر می‌گردد. هاس برخلاف میترانی اقتصاد و سیاست را کاملاً جدا از هم در نظر نمی‌گیرد و به اهمیت سیاسی مسائل اقتصادی اذعان دارد. از یک سو، همگرایی مستلزم وجود نهاد های فراملی و فوق ملی در سطح منطقه ای است. از سوی دیگر، گروه های ذی نفع و احزاب سیاسی در داخل کشورها هستند که منافعی را در همگرایی دنبال می‌کنند. اینها معمولاً پیوند های فراملی نیز دارند. در این برداشت از همگرایی تاکید بر «منافع» است. (مشیر زاده، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۲)

تصور هاس در یکی از آثار وی چنین است که همگرایی «منحصراً به فرایندی اشاره دارد که یک نظام بین المللی عینی و مشخص را به نظام عینی نه چندان مشخص در آینده مبدل می‌سازد.» (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۶: ۶۶۷) هاس با این انتقاد از میترانی که وی به اندازه کافی به عنصر «قدرت» توجه نکرده است، تصریح می‌کند که قدرت را از رفاه نمی‌توان جدا کرد. (همان: ۶۷۴) لیندبرگ به همگرایی همچون یک «فرایند چندبعدی تعامل آمیز» می‌نگرد که باید مورد شناسایی، مقایسه، سنجش و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. (همان: ۶۸۷)

اما آنچه در همگرایی اهمیت دارد فرایندی است که به نظر می‌رسد می‌تواند به تعمیق و گسترش همگرایی کمک کند. هر اقدامی برای همگرایی در یک بخش وضعیتی را ایجاد می‌کند که مستلزم همکاری در بخشهای دیگر می‌شود و همگرایی از بخشی به بخش دیگر «سرریز» می‌کند و این روند ادامه می‌یابد. این راه‌اس «همگرایی بخشی» می‌نامد. افول فرایند همگرایی در دهه ۱۹۶۰ و تاکید دولتهایی چون فرانسه بر منافع ملی در برابر ترتیبات منطقه ای، نظریه نوکارکرد گرایی را با بحران روبرو ساخت. عدم توجه کافی به تداوم اهمیت ملی گرایی، استقلال بخش سیاسی، و تعامل میان محیط بین المللی و منطقه همگرا از جمله انتقادات وارد بر آن بود. (مشیر زاده، ۱۳۸۹: ۶۴-۶۳)

لذا به طور خلاصه نظریه های همگرایی مانند فدرالیسم و کارکردگرایی و نوکارکرد گرایی و نظریه ارتباطی دویچ بر جنبه های سیاسی و اقتصادی تاکید دارند. و در میان نظریه ها نظریه کارکردگرایی نوین جوزف نای ابعاد فرهنگی و ارزشی همگرایی میان کشورها را مورد تاکید قرار داده است و جوزف نای در کتاب قدرت نرم بر بعد فرهنگی، ارزشی و ایدئولوژی همگرایی کشورها

تاکید زیادی دارد. بنابراین با توجه به اینکه انقلاب ایران یک انقلاب فرهنگی و ارزشی است می‌توان همگرایی کشورهای اسلامی خاورمیانه در پرتو انقلاب اسلامی را با توجه به نظریه جوزف نای توضیح داد. این نظریه در بحث همگرایی بر محورهایی مانند جاذبه ایدئولوژیک و هویت بخشی، تسری و گسترش، جامعه پذیری نخبگان، ائتلاف سیاسی و شرکت بازیگران خارجی. تاکید دارد که در این مقاله با توجه به محورهای ذکر شده تاثیر انقلاب اسلامی بر همگرایی کشورهای اسلامی خاورمیانه در دو بعد فرصت ها و محدودیت ها مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

انقلاب اسلامی و فرصتهای همگرایی کشورهای اسلامی خاورمیانه

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و همت ملت قهرمان ایران، بازتاب های فراکشوری و بین المللی از خود به جا گذاشت و در واقع جامعه بین المللی را متاثر داشت.

الف: جاذبه های ایدئولوژیک و هویت بخشی

قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران با توجه به حاکمیت دو تفکر اومانیسیم و ماتریالیسم در جهان، چنان القا می شد که نظام های حکومتی منحصرأ باید به یکی از دو شیوه لیبرال دموکراسی یا سوسیال دموکراسی باشد و چنانچه انقلابی در جهان رخ دهد، چاره ای جز اتکا به تفکر اومانیسیم و یا ماتریالیسم نداشته و باید تحت حمایت یکی از دو بلوک شرق یا غرب باشد. (بابی، ۱۳۷۹: ۲۱) بر این اساس بسیاری از نظریه پردازان انقلاب بر آن بودند که انقلاب اسلامی ایران را در چارچوب یکی از این دو تفکر تحلیل نمایند در حالی که انقلاب اسلامی هم در تأسیس و پیروزی و هم در اهداف و سیر حرکت خود، جدای از این دو تفکر بود. بلکه چالشی علیه نظام اختاپوسی سرمایه داری دنیا از یک طرف و نظام الحادی مارکسیستی از طرف دیگر بود و چون مستقل بود با هیچ کدام کنار نیامد. در حقیقت انقلاب اسلامی در عصر غربت دین که دین به عنوان مخدر جامعه معرفی می شد، به وقوع پیوست و شعار ضرورت مهندسی دین در حیات فردی و اجتماعی بشر را سرلوحه خویش قرار داد و الگوی خود را بعثت پیامبر (ص) در صدر اسلام و رسالت خود را نیز رسالت انبیاء معرفی کرد.

جاذبه های انقلاب اسلامی به طور خلاصه عبارتند از:

۱- حمایت از مستضعفین

انقلاب اسلامی دارای آرمانها و اهداف جهانی است. حمایت از مظلومان جهان، مبارزه با استکبار و گسترش ارزشهای الهی از اهداف بزرگ انقلاب اسلامی است. بر اساس هدایتها و رهبری امام خمینی (ره) و حضرت آیت الله خامنه‌ای (ره) یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران "حمایت از مستضعفین جهان به ویژه مسلمانان" است. (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۲۰۹)

با وجود آنکه حمایت از مظلومین جهان هزینه‌های سیاسی و اقتصادی فراوان در تقابل با کشورهای سلطه‌گر جهان داشته است، نظام جمهوری اسلامی ایران از تمام امکانات خود برای حمایت از مظلومین به خصوص مسلمانان تحت ستم استفاده کرده و می‌کند. در هر حال، حمایت از محرومان و مظلومان از سیاستهای راهبردی جمهوری اسلامی ایران است که همواره خود را مقید به اجرای آن در هر نقطه از عالم می‌داند.

۲- وحدت‌گرایی اسلامی

ایران همیشه وحدت کشورهای اسلامی به وزه در منطقه خاورمیانه را مد نظر داشته است و اهمیت فراوان داده است یکی از اصول وحدت امت واحده اسلامی می‌باشد. مت واحده: اصطلاحی است که ریشه قرآنی دارد و باید برای معرفت و شناخت این دو واژه که از «امّه» و «واحد» تشکیل شده به آیاتی از قرآن که به آن اشاره شده مراجعه کنیم:

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً... (هود، ۱۱۸)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً... (مائده، ۴۸)

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ. (بقره، ۲۱۳)

این دو واژه در قرآن کریم در بین آیات کریمه آمده است، ولی واژه امّه در بسیاری از آیات آمده است و معانی مختلفی دارد. منظور آیات قرآن از مطرح کردن این دو واژه این است که می‌فرماید انسان در مراحل اولیه زندگی از یک گروه و یک تیره تشکیل می‌شد و از نظر طبقات اجتماعی و اقشار اجتماعی یک طبقه بود و همه یکی بودند و تمایز طبقاتی و گروهی و ادیان مختلف و مذاهب فرق در این مرحله از زندگی انسان راه نداشت. و این امر کاملاً طبیعی است چون انسان از آغاز به خاطر کمی جمعیت محدود بود در یک منطقه خاص و بر اساس قرآن کریم انسان و اولین اجتماع انسانی محدود در منطقه‌ای بود که حضرت آدم و اولادش و نسلهای بعدی او در آنجا زندگی

می‌کردند و از یک شریعت و گروه تشکیل می‌شدند و دارای یک آداب و رسوم عرفی و اجتماعی و فرهنگی بودند و امکانات زندگی مشترک داشتند و همه در یک حدّ از امکانات برخوردار بودند، در اینحال وحدت کامل از هر جهت محقق بود، لذا قرآن از گذشته انسان به امت واحده یاد می‌کند. (علامه طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۱۱-۱۱۲)

بی تردید از مهم ترین مسائل امروز جهان اسلام، وحدت است که به دلایل زیر ضروری می‌نماید:

۱- وحدت اسلامی فراهم کننده قدرتی حقیقی است که می‌تواند، تکیه‌گاه استواری برای مسلمانان، در رویارویی های فرهنگی بین تمدن ها باشد، زیرا اگر چه مسلمانان از نیروی عظیم انسانی، امکانات مادی فراوان، موقعیت های استراتژیک، روحیه معنوی بالا، فرهنگ و دیدگاه اعتقادی و فکری مرفعی برخوردارند؛ اما چنانچه میان این اجزا و عناصر پراکنده، اتحادی ایجاد نشود - چنان که در حال حاضر چنین است - این مجموعه عظیم کارآیی نخواهد داشت. (حکیم، ۱۳۷۷: ۳۱)

۲- وحدت اسلامی می‌تواند، زمینه گسترده ای برای پژوهش و اجتهاد در منابع اسلامی فراهم آورد و بدین وسیله، در رویارویی های فکری، فرهنگی و حل مشکلات انسانی یاری رساند.

۳- وحدت اسلامی موجب الگو شدن دیدگاه های اسلامی است. (همان: ۳۵)

۴- وحدت اسلامی بر توانایی و مقاومت جامعه در مواجهه با دشواری ها و بحران ها و برخورد با دشمنان خارجی می افزاید. قرآن کریم بر این نکته تاکید دارد که وحدت، مایه استواری و نیرومندی است و اختلاف موجب شکست و سستی است: «و لانتزعوا فئفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا ان الله مع الصابرين» (انفال، ۴۶) و اختلاف کلمه نداشته باشید که بد دل خواهید شد و شأن و شوکتان بر باد می رود و شکیبایی کنید که خداوند با شکیبایان است.

۵- وحدت اسلامی دستاورد طبیعی تکامل انسان و گویای پیشرفت و رشد فکری جامعه دینی است. (همان: ۱۱۵)

۶- وحدت، عامل اساسی در پیروزی پیامبر اسلام و نیز پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود؛ وحدت همواره و در همه جا عامل پیروزی بوده و خواهد بود. (صلاح الدین، ۱۳۸۴: ۵۱۳)

نظریه ام القرای را هم می‌توان اینجا آورد البته این نظریه باعث اختلاف ایران و کشورهای خاورمیانه اسلامی گردیده است به خصوص کشور عربستان سعودی. نظریه‌ای برای تبیین خط مشی سیاست خارجی و تحلیل مرزهای قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران و موقعیت ایران در جهان اسلام است که در دهه ۱۳۶۰ از سوی محمدجواد لاریجانی مطرح شد. بر اساس این نظریه جهان

اسلام یک امت واحد است و ملاک وحدت امت رهبری آن است. اگر کشوری بتواند با تشکیل حکومت اسلامی سطح رهبری خود را از مرزهای سرزمینی‌اش فراتر برد، در موقعیت ام‌القرای جهان اسلام قرار می‌گیرد.

از نظر مبتکران این نظریه، ایران پس از انقلاب اسلامی در چنین جایگاهی قرار گرفته و روح‌الله خمینی با تأسیس حکومت مبتنی بر ولایت فقیه در دو شأن رهبر ایران و رهبر امت اسلام قرار گرفت. به این ترتیب حکومت ایران بایستی علاوه بر منافع ملی به منافع جهان اسلام نیز بپردازد و دیگر کشورها نیز موظفند از ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام حمایت و دفاع کنند. در صورتی که میان منافع ام‌القرای و منافع امت تعارضی پیش آید منافع امت همواره مقدم است مگر در حالتی که مسئله بر سر حفظ نظام اسلامی در ام‌القری باشد. بر اساس این نظریه حفظ ام‌القری بر هر چیز دیگر اولویت دارد و در صورت لزوم می‌توان احکام اولیه اسلامی را هم برای حفظ آن به تعویق انداخت. (فیرحی، ۱۳۸۲: ۲۶۱) پس از پایان جنگ ایران و عراق و مرگ آیت‌الله خمینی سیاست‌ها و راهبردهای ایران عمدتاً بر اساس نظریه رئالیستی ام‌القری شکل گرفت که عملاً جایگزین تئوری ایده‌آلیستی «صدور انقلاب» شده‌است.

هویت بخشی انقلاب اسلامی ایران

۱- احیای تفکر اسلامی

از جمله ویژگی‌های بارز انقلاب اسلامی ایران اینست که این انقلاب زمانی به وقوع پیوست که اصول و مبانی دینی در جهان رنگ باخته بود و بسیاری از مردم باورهای دینی خود را پنهان می‌کردند تا کمتر مورد تمسخر افراد لائیک و بی‌دین قرار گیرند. در چنین شرایطی انقلابی دینی با هدف احیای هویت اسلامی و برپایی حکومتی دینی، تحول عظیمی را نه تنها در ایران بلکه در سطح جهان ایجاد کرد. روزنامه تایمز در باره این تحول عظیم چنین نوشت: "اوج‌گیری خیزش مذهب و انقلاب، سراسر جهان را در نوردید و دنیای غرب به دلیل انقلاب ایران بار دیگر اسلام را کشف کرد." چرا که مردم دنیا متوجه این امر شدند که این انقلاب با همه شگفتی‌هایی که آفرید، و پیروزی‌های پی‌در پی و سریعی که کسب کرد، بیش از همه مدیون و پیامد چیزی بود که تا قبل از آن کمتر در انقلاب‌های مختلف جهان به چشم می‌خورد و آن آموزه‌های ناب دین اسلام و احیای تفکر و هویت اسلامی بود که توانست مردم بسیاری را بسیج کند و با دست خالی آنها را

به براندازی یکی از مجهزترین رژیم‌های سیاسی منطقه و جهان توانا سازد. (Ahmad, 1982: 287) تدا اسکاچپول جامعه شناس معروف امریکایی درباره وقوع انقلاب اسلامی می‌نویسد: «سقوط رژیم شاه و آغاز نهضت انقلابی ایران از ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹، یک شگفتی ناگهانی برای ناظرین خارجی بود. از دوستان شاه گرفته تا رونا‌ه‌نگاران و دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی و... همه ما حوادث انقلاب را با حیرت و ناباوری نظاره می‌کردیم، بالاتر از همه انقلاب ایران، پدیده‌ای کاملاً خلاف قاعده و طبیعت بود.» (Skocpol, 1982: 257) بنابراین یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی احیا دوباره تفکر اسلامی و نگاه دینی در جهان بود که سال‌ها توسط اندیشمندان سکولار و لائیک به فراموشی سپرده شده بود.

پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، سیر و حرکت عمومی دنیا به سوی معنویت خصوصاً به سوی دین اسلام، در تمامی کشورهای جهان به راحتی قابل مشاهده است. انقلاب اسلامی با ارائه تصویری کارآمد از دین به عنوان پدیده‌ای معنوی توانست نقش آموزه‌ها و اعتقادات دینی را به عنوان منبع معرفتی و راهنمای زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی فراروی همه مردم جهان قرار دهد. شبکه اول تلویزیون بی‌بی‌سی انگلیس در یکی از قسمت‌های مجموعه برنامه مستند خود به نام "قرن دوم" که به مناسبت نزدیک شدن به قرن ۲۱ تهیه کرده بود؛ اذعان کرد: "آن چه در ایران در سال ۱۹۷۹ رخ داد نه تنها برای ایرانیان، بلکه برای تمام ادیان جهانی، نقطه عطفی بود. نقطه عطفی که از بازگشت میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا به اصول‌گرایی مذهبی خبر می‌دهد... در سراسر جهان، پیروان دیگر ادیان مانند مسیحیت، یهودیت و هندو نیز به اصول‌گرایی مذهبی روی آورده‌اند. حتی در ترکیه نیز که هفتاد سال قبل با مذهب وارد جنگ شده بود، روند بازگشت به اصول اسلامی سرعت گرفته است." (kedi, 1982: 224) پروفیسور هدی، اندیشمند مقیم اتریش می‌گوید: "آخرین آمارها در مورد احیاء تفکر دینی، حاکی از این است که تقریباً ۷۰ درصد مردم اروپا احساس دینداری می‌کنند. در تمام مکاتب از هندوئیسم گرفته تا بودیسم و... انواع فرقه‌های مسیحیت، همه از یک نوع بازگشت به تفکر دینی خبر می‌دهند. و انقلاب اسلامی ایران موجب احیای تفکر دینی در جهان گشت." (L. Goldfrank, 1982: 363)

۲- طرح اسلام سیاسی

اسلام سیاسی یک ایدئولوژی سیاسی است که با قرائتی تماماً سیاسی از اسلام ایجاد حکومت اسلامی را در صدر خواسته‌های خود قرار داده است. این خواسته در دهه ۲۰ شمسی در ایران و

تقریباً در همین زمان در برخی دیگر از کشورهای اسلامی مطرح شد. اسلام سیاسی در ایران در چالشی سخت و طولانی نگرش‌های رقیب را پشت سر گذاشت و با به زیر کشیدن سلطنت پهلوی قدرت و حکومت را در اختیار گرفت. اسلام را می‌توان از جهات گوناگون سیاسی‌ترین دین بزرگ جهان دانست. توانایی این دین در پاسخگویی به پرسش‌های سیاسی و رفع معضلات آن و آمادگی آن برای دفاع از خود در مقابل چالش‌های نظری سیاسی همه از این واقعیت مهم حکایت می‌کند؛ برای نمونه دین مبین اسلام از همان آغاز رهبری داشت که صرفاً رهبری دینی نبود، بلکه رهبری بود که دولت تشکیل داد و به اقدامات مهم سیاسی دست زد تا جامعه‌ای را که در آستانه فروپاشی و انشقاق بود گردهم جمع کند. (اسپوزیتو، ۱۳۸۹: ۳۳)

از امتیازهای مهم دیگر نهفته در آخرین دین الهی این مطلب است که در زمانی که اندیشه‌های بیگانه و متضاد با ارزش‌های اصیل انسانی در حال حاکمیت یافتن بودند، جنبه‌های سیاسی اسلام به خوبی خود را نشان داد و توانست روشنگری لازم را پدید آورد. در واقع در گذشته نزدیک اسلام تنها دین در میان ادیان بزرگ جهان بود که آمادگی مخالفت با حاکمیت و هیمنه غرب را از خود نشان داد و به همین دلیل است که فردی به نام هانتینگتون بعد از فروپاشی شوروی کوشیده است قدرت و دشمن جدیدی به نام اسلام را در مقابل امریکا قرار دهد و آن را جانشین ابرقدرت ازهم‌پاشیده شرقی سازد. (فیشر، ۱۳۸۳: ۱۷۸) توجه به طبیعت متنوع جهان اسلام می‌توان گفت که اسلام سیاسی بیشتر از آن مسلمانانی است که در جستجوی اصول و بنیان‌های اعتقادی‌اند و آن را منبع مشروعیت و اقتدار می‌دانند. تعبیر اسلام سیاسی در حقیقت به احکام بنیادین اعتقادی باز می‌گردد که در قرآن و روایت به نوعی بر آنها تأکید شده است و افراد می‌کوشند در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی از پابندی و التزام به آن دور نگردند. (رضوان، ۱۳۸۴: ۱۳) در اصل، اسلام سیاسی را می‌توان به نوعی احیاگرایی ایدئولوژیک در سطح بین‌المللی هم دانست. در این زمینه برای نمونه باید به رهبران سیاسی ایران و گروه‌های اجتماعی گوناگونی اشاره کنیم که انقلاب اسلامی را برای مقابله با استبداد داخلی و استعمار خارجی طراحی کردند و نسبت به مداخلات بیش از حد کشورهای غربی عکس‌العمل نشان دادند و بدین ترتیب موجی از مقاومت را در برابر توسعه‌طلبی‌های غربی پدید آوردند. این امر ماهیت ایدئولوژیک داشت؛ به همین دلیل است که به اسلام‌گرایی سیاسی معروف شد؛ درواقع انقلاب اسلامی ایران را، که نشأت گرفته از اسلام سیاسی است، باید عکس‌العملی در برابر توسعه‌طلبی کشورهای غربی دانست. (دکماجیان، ۱۳۷۹: ۲۳) چنین مسائلی نشان می‌دهد که

اسلام سیاسی، به معنای واقعی آن، ابزاری برای مقاومت در برابر تهدیدهای غرب و هر دشمن بیگانه دیگری فراهم می‌کند و با کمک از ریشه‌ها و بنیادهای اعتقادی، انسجام ایدئولوژیک را بین کشورهای اسلامی به وجود می‌آورد.

ب: تسری و گسترش

در بحث تسری و گسترش مساله تجارب کشورهای همگرا در فرایند همگرایی از اهمیت خاصی برخوردار است، به گونه ای که اگر کشورهای همگرا از همکاری و تعاون با یکدیگر در عرصه های مختلف شاهد تجارب مثبت و تامین منافع متقابل باشند، این امر باعث تسری و گسترش همگرایی از یک حوزه به حوزه دیگر می گردد. تسری و گسترش در حوزه انقلاب اسلامی ایران نیز می تواند بدین معنا باشد که کشورهای اسلامی با مشاهده تجربه مثبت ملت ایران در از بین بردن نظام پادشاهی، رها شدن از سلطه و کسب آزادی در پی تسری دادن آن به کشور خود باشند. در این صورت الگوی انقلاب اسلامی ایران با توجه به جاذبه های فرهنگی و سیاسی به سرعت در میان ملل محروم و مستضعف گسترش یافته و باعث بوجود آمدن فضای فرهنگی و سیاسی جدید گردیده و می تواند به عنوان یک فرصت در همگرایی کشورهای اسلامی مؤثر واقع شود. (سجادی، ۱۳۸۶: ۱۳)

محدودیت ها و چالشهای وحدت گرایی اسلامی در خاورمیانه

واقعیات موجود نشان میدهد که کفه ترازوی واگرایی بر کفه همگرایی در جهان اسلام بسیار سنگینی میکند از مهمترین عوامل واگرایی که در پاسخ به سوالات پیشین بصورت پراکنده به برخی از آنها اشاره شد، عبارتند از:

الف) عوامل بیرونی

ب) عوامل درونی

مهمترین عوامل بیرونی که موجب شکنندگی وحدت مسلمانان می گردند و باعث تضعیف جامعه اسلامی می شوند عبارتند از:

۱ - تفرقه افکنی استعمار در کشورهای اسلامی و کوشش برای تأمین منافع اقتصادی و سیاسی شان باعث دامن زدن به اختلافات مذهبی، فرقه ای و نژادی میان مسلمانان و از هم گسیختگی جوامع اسلامی است. دولتهای استعماری از راه دولت - ملت سازی، وابستگی فکری و اقتصادی و به کار گرفتن افراد وابسته در قسمتهای حساس، زمینه ی جدایی کشورها و ملتهای مسلمان را فراهم می آورند. (حافظ نیا و زرقانی، ۱۳۹۱: ۱۳)

۲- سلطه اقتصادی غرب، دیگر عامل تفرقه و جدایی است. در گذشته مسلمانان بر مهمترین راه های تجاری جهان تسلط داشتند و به تعبیر امروز راه های استراتژیک دنیا در کنترل مسلمانان بود و بر راه های دریایی و جاده ابریشم مسلط بودند، اما اینک شاهراه های تجاری در دست قدرت های غربی است و تعریف تجارت و اقتصاد با گذشته متفاوت است. اقتصاد امروز مبتنی بر اطلاعات، صنعت و تبدیل است و صنعت در اختیار کشورهای پیشرفته می باشد. (همان: ۱۷)

کشورهای بزرگ و توسعه یافته غربی با در دست داشتن شالوده های اقتصاد جهانی در دست خود، به هر نحوی که اراده کننده، کشورهای جهان سوم و به خصوص دنیای اسلام را خط مشی سیاسی، فرهنگی می دهند. زیرا وابستگی اقتصادی دنیای اسلام به غرب آن قدر جهان اسلام را تضعیف ساخته که حتی سیاست و فرهنگ و دین را هم در این کشورها متأثر از وابستگی اقتصادی کرده است. از طرفی «اتحاد اسلامی» هم خطری جدی برای دنیای غرب محسوب می شود لذا همواره اقتصاد را امری برای شکل نگرفتن این اتحاد دانسته و مانع «وحدت» مسلمانان شده است.

به عنوان نمونه، اقتصاد کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، گذشته از نفت تقریباً به طور کامل وابسته به کشورهای قدرتمند غربی است. در آفریقا هم کشورهای اسلامی متأثر از سیاستهای استعماری دوران گذشته، اقتصادی وابسته دارند. این وابستگی ها باعث می شود که قدرتهای بزرگ از ظهور و بروز یک اتحاد اسلامی که بتواند اقتصادی قدرتمند را در پی بیاورد جلوگیری کنند مثلاً بانک اقتصاد اسلامی و نیز سازمان کنفرانس اسلامی همیشه به علت کم کاری کشورهای اسلامی توانسته اند پیشرفت و رونق قابل توجهی داشته باشند چون اغلب دولت های اسلامی از سوی کشورهای بزرگ در فشار هستند و قادر نیستند به تمام معنا در پی تشکیل اتحاد سیاسی اقتصادی اسلامی باشند زیرا با شکل گیری یک اقتصاد واحد اسلامی در میان کشورهای اسلامی، سرمایه گذاری های قدرتهای اقتصادی در کشورهای اسلامی تعطیل خواهد شد و این خطری است که اقتصاد استعماری را تهدید می کند.

۳- عامل بیرونی دیگر، هجوم فرهنگی غرب بر جوامع اسلامی است. قدرت های بزرگ از راه تسلط بر شبکه های ارتباطی و رسانه های جمعی کوشش می کنند که عادات و آداب خود را در دیگر کشورها نیز رواج دهند و فرهنگ های دیگر ملل را تضعیف نمایند. این آشکار است که وقتی روح اسلام و فرهنگ مسلمان با رواج فرهنگ غرب از جامعه اسلام رخت بربندد، «اتحاد» که یکی از مظاهر فرهنگ اسلامی است، هیچ وقت در کشورهای اسلامی و بین مسلمین محقق نخواهد

گشت ۰ (صادقی و شوشتری، ۱۳۸۹: ۲۳)

با تهاجم فرهنگی غرب، هویت فرهنگی مسلمانان به خطر می افتد زیرا رسوخ فرهنگ منحط غرب در کالبد فرهنگی جوامع مسلمان، باعث کج فهمی و دور افتادن از حقیقت اسلام، ترک احکام اسلام و تعطیل شدن حدود، تنگ نظری در علوم مذهبی، مسخ ارزشهای عقیدتی و اخلاقی و نابسامانی آموزش و پرورش دینی خواهد شد و آن وقت است که همان آشفتگی و پراکندگی غربی که در جوامع مدرن حاکم است به طوری که انسان ها را از هم دور ساخته است، در جوامع اسلامی نیز حاکم می شود و به طور مثال مسلمان دیگر پایبند به آن فرموده رسول اکرم (ص) نیست که «کسی که صبح کند در حالی که به فکر امور مسلمانان نباشد، مسلمان نیست». زیرا تعلیمات اسلامی و مذهبی و هویت اسلامی از کالبد فرهنگی او رخت بر بسته است.

دسته دوم عوامل شکننده وحدت، موانع درونی می باشد که می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- عمده عوامل درونی به سکون جوامع اسلامی و رها شدگی مسلمانان باز می گردند. مسلمانان دنیای امروز نقطه اصلی اتکای خود را گم کرده اند. و در دایره هستی احساس سرگردانی می کنند. مسلمان، اینک با پدیده ای به نام «مدرنیسم» مواجه شده است؛ که بدون هیچ زمینه ای باید آن را هضم کند و فضایی را تجربه کند که هرگز آن را ندیده و تنها راه نجات «بازگشت به خویشتن اسلامی» است؛ راهی که امام خمینی (ره) علامه اقبال و سایرین آن را تنها راه حل دانسته اند.

۲- ناسیونالیسم؛ عنصر دیگری که رسیدن به «وحدت اسلامی» را با مشکل مواجه می کند، «ناسیونالیسم مدرن» است. در این نوع ملی گرایی، مردم هر کشوری خود را برتر از همه می دانند و همه امکانات و منافع را برای خود می خواهند و به دیگر کشورهای اسلامی به دیده رقیب می نگرند.

۳- دیگر عامل درونی که به خود مسلمانان باز می گردد، انحطاط فکری و فرهنگی و علمی است. با انحطاط فکری و فرهنگی و علمی در اثر «فقر علمی» اغلب افراد، کم سواد یا بی سواد و وضعیت علم و دانش در کشورهای اسلامی که تأسف بار است. گویی این مردم هیچ گونه پشتوانه ی علمی و مدنی نداشته اند و حال آنکه هنگامی که غرب در قرون وسطی دوران رکود را سپری می کرد، دامنه تمدن اسلامی تا دورترین نقاط جهان امتداد یافته بود. با عدم آگاهی مردم از عوامل مهم حضور استعمار، باعث ظهور استبداد و بروز هرج و مرج است و این زمینه ای شد تا در اوایل قرن بیستم، کشورهای اسلامی از هم دورتر و دورتر شوند و اندیشه اتحاد به آرزویی محال تبدیل گردد.

۴- عامل درونی دیگر، تعصب گرایی کور مذهبی است که مسلمانان را از تلاش برای نزدیک ساختن

دیدگاه هایشان باز می‌دارد. در حالی که هیچ یک از رهبران مذاهب اسلامی به پیروان خود سفارش نکرده‌اند که برای حفظ مذهبشان عقاید خود را بر اساس تعصب شدید نسبت به دیگران یا دشمنی با سایر مذاهب استوار سازند. این تعصب گرایی مسلمانان را از یکدیگر دورتر و دورتر می‌کند. جهل و ناآگاهی مسلمانان از مذاهب یکدیگر؛ این هم مشکل دیگری در راه وحدت است نه تنها مسلمانان نسبت به مذهب خود تعصب دارند بلکه به دنبال مطالعه سایر مذاهب هم نمی‌روند. اگر پیروان فرق اسلامی از ماهیت سایر مذاهب، آن چنان که بنیانگذاران حقیقی آنها بیان داشته‌اند، آگاهی کامل داشته باشند بدون تردید بسیاری از تعصبات و بدبینی‌ها برداشته می‌شود. (عیوضی ۱۳۸۷: ۹)

۵- غیر مردمی بودن دولتهای اسلامی: چنانچه قبلاً ذکر شد استعمار با تسلط اقتصادی و سیاسی خود در کشورهای اسلامی همیشه سعی می‌کند به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم مهره‌های مورد نیاز خود را در این کشورها بر سر کار آورد. چنانچه می‌دانیم در اکثر بلاد اسلامی، سردمداران و حاکمان در جهت مصالح و منافع مردمی کار نمی‌کنند حتی آن دسته از کشورهای اسلامی که انتخابات دارند باز هم از دخالت قدرتها بی‌نصیب نمی‌مانند. و البته جامعه اسلامی کشور ما ایران هم از این نوع سعی و تلاش‌ها بی‌نصیب نبوده و نخواهد بود.

۶- دنیا زدگی سیاستمداران: به جای اینکه به فکر تأمین حق و عدالت در جامعه و تأمین رفاه برای مسلمانان باشند، در پی جمع‌آوری مال و ثروت و دروغ و فساد هستند و این موجب تضعیف دولتهای اسلامی است و وقتی سیاستمداران چنین باشند، هیچ وقت در پی وحدت اسلامی بر نمی‌آیند. چه اینکه این گروه از سیاستمداران برای دستیابی به متاع دنیا حاضرند حتی وحدت جهان اسلام را فدا کنند و نیز برای حفظ جایگاه خود حاضر نیستند تهدیدات استکبار را نادیده بگیرند و به وحدت بگرایند و خود را فدای وحدت اسلامی نمایند.

۷- دیگر عامل درونی غفلت از اولویتهای جهان اسلام است. اگر توجه مسلمانان به مسائل مهم دنیای اسلام نظیر مسأله فلسطین، کشمیر، لبنان و ... معطوف می‌بود و سعی همه بر این بود که در پی حل این مشکلات و مقابله با دشمنان برآیند، وحدت اسلامی خود به خود در میان ملتها جریان می‌یافت. همچنین دولت‌های اسلامی همت و سعی خود را در استفاده از ظرفیتهای موجود برای به تفاهم رسیدن مسلمانان به کار نمی‌گیرند. مثلاً سازمان کنفرانس اسلامی و بانک اقتصاد اسلامی و مجامع اینچنینی می‌تواند در روند اتحاد و جوامع مسلمان نقش بسزائی داشته باشند. اما متأسفانه چنانچه در پیش ذکر شد وابستگی کشورها به قدرتهای غرب باعث می‌شود از این ظرفیت‌ها به شکل نارسا

استفاده شود و فقط شکل صوری داشته باشند. بی توجهی مسلمانان به اولویتهاست که باعث می شود مذاهب اسلامی برای مسایل کوچکتر با هم نزاع کنند و حاضر نشوند برای مسایل مهمتر با هم وفاق داشته باشند. (مومنی، ۱۳۸۹: ۱۳) به طور خلاصه باید گفت؛ عوامل و موانع متعددی بر سر راه «اتحاد مسلمانان» وجود دارند که هم به درون جامعه اسلامی باز می گردند و هم به نقش عوامل بیرون از جامعه اسلامی، که باید مورد مطالعه قرار گیرند. اگر این موانع از سر راه جامعه اسلامی برداشته شود و جهان اسلام به اسلام اصیل که حاوی کاملترین برنامه زندگی فردی اجتماعی است. عمل کنند امید می رود، میوه «وحدت» بر درخت اسلام به ثمر بنشیند.

نتیجه گیری

باید گفت که کفه ی ترازوی واگرایی در خاورمیانه سنگین تر از کفه ی همگرایی می باشد و تا همگرایی کامل واتحاد فاصله زیادی است و تا نگرشها و برداشت ها تغییر نکند همگرایی امکان پذیر نیست. اسلام یکی است ولی تضاد برداشت ها و برداشت های متفاوت باعث تفرقه وچند اسلامی و ظهور بنیاد گراها گردیده است. انقلاب اسلامی ایران، با توجه به دارا بودن جاذبه های ایدئولوژیک و هویت بخشی همچون حمایت از ملل محروم و مستضعف، حمایت از نهضت های دینی و جنبش های اسلامی و داشتن آموزه وحدت گرایی و اتحاد امت اسلامی و نیز با عنایت به تسری و گسترش ارزش های اسلامی و انسانی به کشورهای تحت ستم و ملل مسلمان و تاسیس نهادهایی همچون جامعه المصطفی العالمیه و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی جهت تربیت نیروهای متخصص اسلامی و نزدیک ساختن دیدگاه های نخبگان فکری و سیاسی جهان اسلام در مساله همگرایی ملت های مسلمان توانسته است فرصت های زیادی ایجاد نماید.

اما در سطح سیاسی و دولتها با موانع و محدودیت هایی مواجهه بوده است، چرا که انقلاب اسلامی وقتی به پیروزی رسید با توجه به ناعادلانه دانستن ساختار نظام بین الملل، خواستار تحول در آن و شکل گیری نظام عادلانه جهانی بر مبنای منافع تمام کشورهای جهان و شکل گیری نظم نوین منطقه ای بدون حضور ابرقدرت های جهانی گردید. بنابراین از طرفی با واکنش قدرتهای بزرگ (آمریکا و شوروی) مواجه شد و آنها یکسری اقداماتی را برای مقابله و تضعیف انقلاب اسلامی ایران انجام دادند، و از سوی دیگر با توجه به تاکید انقلاب اسلامی بر نقش مردم، و با عنایت به اینکه اکثریت دولتهای اسلامی غیر مردمی و وابسته به قدرتهای خارجی بودند، این دولتها نیز در مقابل انقلاب ایران

جبهه‌گیری کرده و واکنشهایی از خود نشان دادند که از جمله آنها ایجاد تفرقه میان ملت‌های اسلامی و جداسازی آنها از انقلاب اسلامی با ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی و تشدید تضاد عرب و عجم بود و در شکل‌گیری نظم نوین منطقه‌ای تلاش نمودند از طریق ایجاد شورای همکاری خلیج فارس، نقش ایران اسلامی را محدود سازند.

منابع

- اسپوزیتو، جان.ال؛ جان، وال (۱۳۸۹). جنبش‌های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)، ترجمه‌ی شجاع احمدوند، تهران: نشر نی.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۴). اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- حافظ نیا، محمدرضا و زرقانی، سیدهادی (۱۳۹۱). چالش‌های ژئوپولیتیکی همگرایی در جهان اسلام، پژوهشهای جغرافیای انسانی، ۴۴ (۸۰)، ۱۳۹-۱۵۴.
- حکیم، سید محمد باقر (۱۳۷۷). وحدت اسلامی (از دیدگاه قرآن و سنت)، ترجمه عبدالهادی فقهی زاده، تهران: تیان.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دکمچیان، هرایر (۱۳۷۹). جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ترجمه‌ی حمید احمدی، چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان.
- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۷۶). نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل. ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، چاپ دوم، تهران: قومس.
- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۶). امام خمینی (ره) و جنبشهای اسلامی معاصر، علوم سیاسی، ۲ (۵)، ۳۶۰-۳۸۰.
- سعید، بابی‌ابن (۱۳۷۹). هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- السید، رضوان (۱۳۸۳). اسلام سیاسی معاصر: در کشاکش هویت و تجدد، ترجمه‌ی مجید مرادی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- صادقی، علی و شوشتری، سید محمدجواد (۱۳۸۹). همگرایی کشورهای اسلامی، چالش‌ها و راهکارها، چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- صلاح الدین حسام (۱۳۷۹). وحدت و ضرورت آن، وحدت مسلمین (دفتر کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعات).
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۹۴ق). المیزان، ج ۲، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷). چالش‌های سیاسی جهان اسلام و آینده ایران، دانش سیاسی، ۴(۸)، ۱۵۷-۱۸۵.

فیرحی، داوود (۱۳۸۲). نظام سیاسی و دولت در اسلام. چاپ اول. تهران: سمت.
فیشر، مایکل (۱۳۸۳). ایران از مباحثات مذهبی تا انقلاب، ترجمه حسین مطیعی امین، تهران: مرکز
بازشناسی اسلام و ایران (باز).

قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۸). روابط بین الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها، تهران: سمت.
کدیور، جمیل (۱۳۷۲). رویارویی انقلاب اسلامی و آمریکا، تهران: انتشارات اطلاعات.
مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹). تحول در نظریه‌های روابط بین الملل، چاپ پنجم، تهران: سمت.
مومنی، مهدی (۱۳۸۹). فرایند جهانی شدن و چالش‌های آن در کشورهای جهان اسلام، چهارمین
کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
میرآقایی، سید جلال (۱۳۷۹). جهان اسلام، مشکلات و راهکارها، تهران: نشر مجمع جهانی تقریب
مذاهب اسلامی.

Ahmad, Eqbal. (1982). "Comments on Skocpol". Theory and Society. vol. 13, no. 5

Kedi, Nikki. (1982). "Comments of Skocpol". Theory and Society. No. 11

L. Goldfrank, Walter. (1982). "Commentary on Skocpol". Theory and Society. No. 11

Skocpol, Theda. (may 1982). "Rentier State and Shi'a Islam in the Iranian Revolution". Theory and Society. Vol 11